

Study of the Suspicion of Gambling in Zero-sum Transactions

Mahdi Sadeghi Shahdani *
Seyed Mahdi Pakzat **

Received: 2016/09/28
Accepted: 2016/12/25

Zero-sum transactions are transactions in which the expense of one of the traders is against other's interest; and just as much as one body harms someone else will benefit. The main application of zero-sum transactions is the risk management. Some believe that the prohibition of gambling is because of being a zero-sum transaction, so every another zero-sum transaction is rejected in Islam.

In exploring the concept of gambling will reach the conclusion that literally and in terms of jurists and the Hadith, gambling rests on three pillars: 1- The game 2- The overcoming 3- The betting. Of these three pillars, only "the betting" is available in the zero-sum transactions. The betting means pledging a certain fund by both sides to transfer at the end from the loser to winner. "The overcoming" means that each of the parties have the intention and effort to overcome another which is called "win-lose" in Slang. In the zero-sum transactions no one intends to win and overcome the other side, but all are simply looking to make a profit. "The game" means some work that has no reasonability while a zero-sum transaction has at least an important benefit and rational purpose, that is the risk hedging. As a result, a zero-sum transaction is not gambling.

Keywords: Gambling; The Betting; Zero-Sum Transactions; Financial Derivatives

JEL: C72, D84, 212.

* Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University,
sadeghi@isu.ac.ir

** Ph.D. Candidate in Management of International Oil and Gas Contracts, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University.
pakzat@isu.ac.ir

بررسی شبهه قماری بودن در مورد معاملات مجموع صفر*

مهدی صادقی شاهدانی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۰۷

سید مهدی پاک ذات***

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۰۵

چکیده

معاملات مجموع صفر معاملاتی هستند که در آن‌ها زیان یکی از معامله‌گران در مقابل نفع دیگری است؛ و درست به همان میزان که فردی سود می‌برد دیگری ضرر خواهد نمود. کاربرد اصلی معاملات مجموع صفر مدیریت ریسک است. برخی معتقدند که علت حرام بودن قمار، این است که معامله مجموع صفر می‌باشد و لذا هر معامله مجموع صفر دیگر نیز از نظر اسلام مردود است. در واکاوی مفهوم قمار به این نتیجه خواهیم رسید که از نظر لغوی و در اصطلاح فقها و از نظر احادیث، قمار دارای سه رکن اساسی است: ۱- لعب ۲- مغالبه ۳- مرانه. از بین این سه رکن، در معاملات مجموع صفر فقط «مرانه» موجود است. مرانه یعنی گرو گذاشتن وجه معین از سوی دو طرف تا در پایان از بازنده به برنده برسد. «مغالبه» به معنای این است که هر یک از طرفین قصد و تلاش برای غلبه بر دیگری را داشته باشد که به‌طور عامیانه «برد و باخت» نامیده می‌شود. در معاملات مجموع صفر کسی به دنبال برد و غلبه بر طرف مقابل نیست بلکه همه صرفاً به دنبال کسب سود هستند. «لعب» به معنای کاری است که غرض عقلایی نداشته باشد درحالی‌که معاملات مجموع صفر لاقلاً یک منفعت و غرض عقلایی مهم دارند و آن همان «پوشش ریسک» است. در نتیجه مطابق تعریف غالب فقهای امامیه از قمار، معامله مجموع صفر، قمار نمی‌باشد.

واژگان کلیدی: قمار، مرانه، معاملات مجموع صفر، مشتقات مالی.

طبقه‌بندی JEL: Z12, D84, C72.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری در رشته مدیریت قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز دانشگاه امام صادق (ع) می‌باشد.

** دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)، sadeghi@isu.ac.ir

*** دانشجوی دکتری مدیریت قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز، دانشگاه امام صادق (ع)، (نویسنده مسئول) pakzat@isu.ac.ir

مقدمه

در اینکه قمار چیست و چه عاملی باعث جذب به سوی قمار می‌شود اجماع خاصی وجود ندارد. عده‌ای معتقدند که قمار یک پیامد انگیزشی است. والراند و چانتال اثبات کرده‌اند که انگیزش عامل مهمی در درگیر شدن مردم به قمار و فعالیت‌های مربوط به آن است. آنان استدلال کرده‌اند که انگیزش به‌عنوان یک نیروی درونی موجب پافشاری بر قمار کردن و تشدید آن می‌شود. گابالدن قمار را به‌عنوان یک رفتار تولیدی و درآمدزا نمی‌شناسد؛ بلکه آن را رفتاری مصرفی تلقی کرده و می‌گوید: اگرچه عموم اقتصاددانان قماربازی را رفتاری غیرمنطقی به حساب می‌آورند و شاید معتقد باشند که هیچ مطلوبیتی در قماربازی وجود ندارد ولی قماربازی می‌تواند نوعی سرگرمی باشد و بنابراین ارزش مصرفی داشته باشد. به این ترتیب قمار کردن عملی است منطقی به‌گونه‌ای که ارزش روانی حاصل از عمل قمار کردن می‌تواند از ارزش ثروتی که با اشتغال به قمار از دست می‌رود بیشتر باشد؛ لذا آن‌چه افراد را وادار به قمار می‌کند بیشتر کسب مطلوبیت از قمار است تا کسب درآمد و ثروت از طریق آن. استیو چپمن نیز معتقد است که مزیت عمده قمار در سرگرمی و لذتی است که این بازی برای میلیون‌ها نفر ایجاد می‌کند. قمارباز علی‌رغم اینکه زیان مالی را پیش‌بینی می‌کند؛ اما برای کسب لذت از بازی و شانس موفقیت این ریسک را تحمل می‌کند (پاکذات، ۱۳۸۹، صص ۱۳۴ و ۱۳۵).

بنابراین مطابق نظر این گروه انگیزش‌های درونی مانند کسب لذت و دانش و احساس پیشرفت عامل کلیدی برای جذب به سمت قمار و فعالیت‌های مرتبط با آن است و دلایل خارجی مانند پاداش‌های مالی نقش ضعیفی در وارد شدن به قمار بازی می‌کنند. نگاهی به قوانین نشان می‌دهد که قمار به‌عنوان فعالیتی در جهت کسب درآمد معرفی شده است. قانون عمومی آمریکا قمار را هر نوع فعالیتی تعریف می‌کند که در آن شخص امیدوار است چیز با ارزشی را به‌دست بیاورد، مشروط به اینکه بخش اعظمی از منفعت به‌دست آمده بر اساس شانس باشد. در این تعریف شانس عنصر اساسی قمار معرفی شده است و به‌فعالیتی قمار گفته می‌شود که شانس، نقش محوری در آن بازی نماید. لذاست که شرکت‌های هرمی شکل که در آن تلاش مفیدی توسط

اشخاص انجام نمی‌شود از سوی عده‌ای مصداقی از قمار معرفی می‌شود. «معاملات مجموع صفر»^۱ معاملاتی هستند که در آن‌ها زیان یکی از معامله‌گران در مقابل نفع دیگری است؛ و درست به همان میزان که فردی سود می‌برد دیگری ضرر خواهد نمود. در قمار نیز یک معامله مجموع صفر را شاهد هستیم چرا که در قمار یک فرد برنده و دیگری بازنده است و به میزانی که فردی برنده می‌شود دیگری بایستی از دست بدهد. در قمار نفع حاصل از معامله طرفینی نیست و تنها یکی از طرفین سود می‌برد.

برخی معتقدند که علت تحریم قمار، این است که معامله مجموع صفر می‌باشد و لذا هر معامله مجموع صفر دیگر نیز از نظر شرع مردود است. در این پژوهش سعی بر آن است که صحت این ادعا مورد بررسی قرار گیرد.

در این راستا ابتدا به معرفی نمونه‌های واقعی و پرکاربرد از معاملات مجموع صفر در روزگار معاصر پرداخته می‌شود تا چستی و ثمره این معاملات واضح شود. سپس ابعاد فقهی و اسلامی حرمت قمار از منظر اهل لغت و فقها و آیات و روایات به تفصیل بررسی می‌شود. در این راستا ضمن بررسی اجمالی نظرات چند تن از فقها بر نظرات شیخ اعظم (مرحوم مرتضی انصاری) و امام خمینی (ره) تمرکز ویژه خواهیم شد. در نهایت در یک جمع‌بندی عدم صحت ادعای مطرح شده نشان داده خواهد شد.

۱. پیشنهاد مطالعات

از آنجایی که این پژوهش یک مطالعه بین‌رشته‌ای با موضوع خاص می‌باشد تاکنون پژوهشی با این مضمون انجام نشده است. اما در خصوص معاملات مجموع صفر و بحث قمار پژوهش‌های فراوانی انجام شده است.

معاملات مجموع صفر در واقع یک نوع معامله مشخص که دارای ارکان مشخصی باشد نیستند. معامله مجموع صفر یک حالت است که در بسیاری از معاملات جدید و نوآوری‌های مالی از جمله مشتقات مالی وجود دارد و طیف گسترده‌ای از انواع معاملات را شامل می‌شود. به همین خاطر پژوهش خاصی که به تبیین معاملات مجموع صفر پرداخته باشد وجود ندارد بلکه باید بیشتر ردپای آن را در کتب «مشتقات مالی» از جمله قراردادهای آتی و اختیار معامله جستجو کرد.

البته همه این معاملات از یک نظر نوعی «بازی مجموع صفر»^۲ نیز هستند. مبحث بازی مجموع صفر در همه کتب «تئوری بازی»^۳ و در اکثر کتب «اقتصاد خرد»^۴ تبیین شده است اما روش تحلیل در آنجا متمرکز بر استراتژی‌های اتخاذ شده در بازی است. در پژوهش حاضر این معاملات از جهت آثار اقتصادی مورد بحث قرار می‌گیرند لذا ارجاع به منابع تئوری بازی فایده‌چندانی ندارد.

در مورد قمار اکثر کتب فقهی جامع قدما و معاصرین که بیش از صد عنوان کتاب است متعرض به بحث حرمت قمار شده‌اند. در پژوهش‌های معاصر هم دو عنوان وجود دارد که هر دو از منظر حقوق جزا به مقوله قمار پرداخته‌اند: حبیب‌زاده و همکاران، (۱۳۸۹) و فخریمی (۱۳۹۲).

همچنین تمامی پژوهش‌هایی که به بررسی فقهی مشتقات مالی از جمله قراردادهای آتی و اختیار معامله پرداخته‌اند و شبیه قمار را در مورد آن‌ها بررسی کرده‌اند در این خصوص قابل استفاده می‌باشند. از جمله: بای (۱۳۹۰)، بیات (۱۳۸۷)، پاکذات (۱۳۸۹)، حاجیان (۱۳۹۰)، حسینی (۱۳۸۶)، حسینی چالشتری (۱۳۷۶)، رضایی (۱۳۸۲) عصمت پاشا (۱۳۸۲)، غنیمی فرد و آرام بنیار (۱۳۸۴)، محسنی (۱۳۹۲)، معصومی‌نیا (۱۳۸۷)، معصومی‌نیا و بهاروندی (۱۳۸۷)، میر معزی (۱۳۸۲)، نعمتی (۱۳۸۴)، فهیم‌خان (۲۰۰۰).

۲. معاملات مجموع صفر

در حال حاضر بیشترین کاربرد مفید معاملات مجموع صفر در «مشتقات» است. واژه «مشتقات مالی»^۵ بر تعداد زیادی از ابزارهای «قابل معامله در بورس»^۶ و «خارج از بورس» یا (OTC)^۷ دلالت می‌کند که مرتبط با معامله اوراق بهادار، ارز، نرخ بهره، کالا و جز این‌هاست. مشتقات، واژه جدیدی در مطالعات مالی است. شاید قبل از دهه ۱۹۹۰، این واژه کاربرد چندانی نداشت. به‌طور ساده می‌توان گفت که منظور از مشتقات، همان ابزارهای مدیریت ریسک است. مشتقات با فروش ریسک به کسانی که تمایل به دریافت آن در عوض یک بازده دارند، ارتباط تنگاتنگی دارد.

در اقتصاد مالی، مشتقات یا ابزارهای مشتقه، غالباً به معنای ابزارهای مالی است که ارزش آن از چیز دیگری مشتق شده است. یک ابزار مالی، صرفاً نوع استانداردی از

«موافقت‌نامه»^۸ یا «قرارداد»^۹ است که حقوق یا تعهدات مالی خاصی را به طرفین معامله اعطا می‌کند. همه ابزارهای مالی دارای ارزش است. ابزارهای مالی مشتقه نیز دارای ارزش است اما برخلاف ابزارهای غیرمشتقه، ارزش آن با قیمت جاری دارایی مورد معامله که به آن «دارایی پایه»^{۱۰} می‌گویند، ارتباط مستحکمی دارد. در واقع، ابزارهای مشتقه، موافقت‌نامه‌ای میان خریدار در آینده و فروشنده در آینده است. هر یک از ابزارهای مشتقه، دارای قیمت آتی برای دارایی مورد معامله (دارایی پایه) است و نیز تاریخ انجام معامله در آینده را تعیین می‌کند. این دارایی می‌تواند کالای فیزیکی مثل گندم یا نفت یا گاز طبیعی یا اوراق بهادار مالی مانند سهام یا یک چیز انتزاعی‌تر مثل شاخص قیمت باشد (Durbin, 2011, 2). به‌طور کلی، مشتقات را می‌توان به چهار گروه اصلی تقسیم کرد:

۱- قرارداد سلف^{۱۱}: قراردادی است که در آن یک خریدار توافق می‌کند دارایی پایه را به قیمت تعیین شده و در تاریخ معینی در آینده از فروشنده خریداری نماید.

۲- قرارداد آتی^{۱۲}: شکل استاندارد شده قرارداد سلف است که تنها در بورس معامله می‌شود.

۳- اختیار معامله^{۱۳}: به دارنده آن، حق (نه تعهد) خرید یا فروش چیزی به قیمت معین در تاریخ معینی در آینده یا قبل از آن می‌دهد.

۴- معاوضه^{۱۴}: موافقت‌نامه‌ای برای مبادله جریان‌های نقدی است. معمولاً یکی از جریان‌های نقدی مبتنی بر قیمت متغیر یا شناور و دیگری مبتنی بر قیمت ثابت است. در حال حاضر مهم‌ترین مشتقات به لحاظ تعداد و حجم معاملات و همچنین به لحاظ تأثیر بر روی قیمت معاملات فیزیکی، همان مورد دوم یعنی قراردادهای آتی می‌باشند؛ لذا برای اینکه چابکی و ثمره این معاملات واضح شود قراردادهای آتی را به‌عنوان یک نمونه معرفی می‌کنیم.

در مصوبه هیئت مدیره سازمان بورس قرارداد آتی این‌گونه تعریف شده است: «قرارداد آتی قراردادی است که فروشنده بر اساس آن متعهد می‌شود در سررسید معین، مقدار معینی از کالای مشخص را به قیمتی که الان تعیین می‌کنند بفروشد و در مقابل طرف دیگر قرارداد متعهد می‌شود آن کالا را با آن مشخصات خریداری کند و

برای جلوگیری از امتناع طرفین از انجام قرارداد، طرفین به صورت شرط ضمن عقد متعهد می‌شوند مبلغی را به‌عنوان وجه تضمین نزد اتاق پایاپای بگذارند و متعهد می‌شوند متناسب با تغییرات قیمت آتی، وجه تضمین را تعدیل کنند و اتاق پایاپای از طرف آنان وکالت دارد متناسب با تغییرات، بخشی از وجه تضمین هر یک از طرفین را به‌عنوان اباحه تصرف در اختیار دیگری قرار دهد و او حق استفاده از آن را خواهد داشت تا در سررسید با هم تسویه کنند» (هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۱، ماده ۱ شماره ۳۲).

در واقع مضمون اصلی قرارداد آتی این است که یک معامله‌گر متعهد می‌شود که اگر قیمت آتی در پایان روز افزایش یافت دقیقاً به میزان افزایش قیمت به معامله‌گر دیگر بپردازد. معامله‌گر دوم هم متعهد می‌شود که اگر قیمت آتی در پایان روز کاهش یافت دقیقاً به میزان کاهش قیمت به معامله‌گر اول بپردازد و تعهد می‌کنند که به همین منوال تا سررسید هر روز به اندازه تغییر قیمت نسبت به روز قبل با هم تسویه کنند. البته وکالت و تضمین انجام این عملیات از جانب هر دو طرف با واسطه کارگزاری بر عهده اتاق پایاپای است. به این «تسویه حساب روزانه»^{۱۵} عملیات «به‌روزرسانی حساب‌ها»^{۱۶} گفته می‌شود.

تشابه قرارداد آتی با قمار دقیقاً در همین عملیات «به‌روزرسانی حساب‌ها» است. هرگاه قیمت آتی در پایان روز نسبت به روز قبل افزایش داشته باشد دقیقاً به همان میزان افزایش قیمت، از حساب عملیاتی فروشنده به حساب عملیاتی خریدار منتقل می‌شود و این مبلغ در واقع سود روزانه خریدار و زیان روزانه فروشنده است. برعکس هرگاه قیمت آتی در پایان روز نسبت به روز قبل کاهش داشته باشد دقیقاً به همان میزان کاهش، از حساب عملیاتی خریدار به حساب عملیاتی فروشنده منتقل می‌شود و این مبلغ در واقع سود روزانه فروشنده و زیان روزانه خریدار است. سود یا زیان کل، از مجموع این قرارداد، برای هر معامله‌گر برابر است با برآیند همه سود و زیان‌های روزانه از اولین روزی که وارد قرارداد می‌شود تا آخرین روزی که در قرارداد باقی می‌ماند یعنی برابر است با اختلاف قیمت آتی در روزی که وارد قرارداد می‌شود با روزی که از بازار خارج می‌شود (Hull, 2012, 24).

همان‌طور که واضح است قراردادهای آتی از نوع معاملات مجموع صفر هستند یعنی سود یک معامله‌گر در بازار آتی دقیقاً مساوی ضرر معامله‌گر دیگری است که موقعیت تعهدی مخالف او داشته است و این موضوع، در نخستین نگاه شباهت زیادی با قمار دارد.

شایان ذکر است که قبل از تصویب «قانون خدمات مالی»^{۱۷} در سال ۱۹۸۶ در انگلستان، مباحث زیادی درباره منشأ حقوق مشتقات مطرح بود. برخی از صاحب‌نظران بر این باور بودند که قرارداد آتی را باید تحت شمول قوانین «بخت‌آزمایی»^{۱۸} مطالعه کرد. بعضی دیگر آن را مصداقی از «قراردادهای بیمه»^{۱۹} و عده‌ای آن را مشمول «قراردادهای شانسی»^{۲۰} می‌پنداشتند. در حقوق انگلستان قراردادهای شانسی به دو شاخه تقسیم می‌شود: «قراردادهای شرط‌بندی»^{۲۱} و «قراردادهای قماربازی»^{۲۲}. در اکثر موارد تمایل حقوق‌دانان این بود که قراردادهای آتی را تحت «قوانین قماربازی»^{۲۳} مصوب سال‌های ۱۸۴۵ و ۱۸۹۲ قرار دهند. حتی در آلمان در مواردی دعاوی ناشی از معامله آتی را با توجه به «قانون قماربازی آلمان»^{۲۴} حل و فصل کرده‌اند. هرچند که تصویب قانون خدمات مالی انگلستان، به روشنی قراردادهای آتی را از شمول قوانین قماربازی مصوب ۱۸۴۵ و ۱۸۹۲ خارج کرده است (درخشان، ۱۳۹۰، ص ۶۳۱). در این مرحله باید مفهوم و چیستی عنوان فقهی قمار به‌طور دقیق از منابع فقهی و روایی استخراج شود و سپس انطباق آن بر معاملات مجموع صفر مورد مذاقه قرار گیرد.

۳. قمار در لغت

با بررسی کتب لغت می‌توان نتیجه گرفت که در معنای لغوی قمار سه مفهوم و مقوم اساسی وجود دارد:

- ۱- لعب؛ به معنای بازی و کاری که غرض عقلایی نداشته باشد.
- ۲- مغالبه؛ به این معنا که هر یک از طرفین قصد غلبه بر دیگری را داشته باشد که به‌طور عامیانه به آن «برد و باخت» گفته می‌شود (هرچند برخی از صاحب‌نظران مغالبه را تعبیری دیگر از همان لعب می‌دانند).
- ۳- مراهنه؛ به معنای گرو گذاشتن وجه معین از سوی دو طرف تا در پایان بازی از

بازنده به برنده برسد.

اکنون ماده «قمر» در مهم‌ترین کتب لغت بررسی می‌شود:

● **معجم مقائیس اللغة:** القاف و المیم و الراء اصلٌ صحیح يدل علی بیاض فی شیء ثم یفرع منه ... و القمار من المقامره فقال قوم: هو شاذ عن الاصل الذی ذکرناه و قال آخرون بل هو منه و ذلك أن المقامر یزید ماله و ینقص و لا یتقی علی حال.

صاحب معجم مقائیس اللغة در مفهوم قمار، گروگذاری را شرط می‌داند، زیرا پس از بیان اینکه ماده «قمر» به معنای سفیدی هر چیزی است می‌گوید برخی قمار را از این ماده ندانسته‌اند و برخی دیگر از آن جهت که شخص مقامر همانند «ماه» آرام آرام در مال خود کم و یا زیاد می‌کند از این ماده دانسته‌اند.

● **المصباح المنیر:** قامرته قمارا من باب قاتل فقمرته قمرا ... غلبته فی القمار.

علامه فیومی قمار به فتح قاف را مصدر باب مفاعله دانسته است و آن را به معنای غلبه و پیروزی می‌داند ولی راهنه را در آن شرط نمی‌کند.

● **مجمع البحرین:** اصل القمار الرهن علی اللعب بالشی من هذه الاشیاء و ربما اطلق علی اللعب بالخاتم و الجوز.

علامه طریحی نیز در صدق مفهوم قمار لعب و راهنه را شرط می‌کند. وی می‌نویسد: «اصل قمار عبارت است از راهنه در بازی با یکی از این وسایل مخصوص و چه بسا قمار بر بازی با انگشتر و گردو نیز اطلاق گردد».

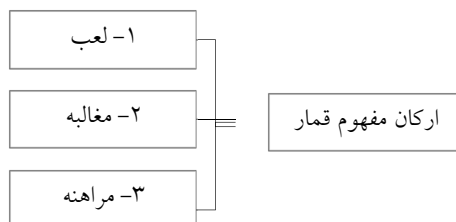
● **لسان العرب:** قامر الرجل مُقَامَرَةً و قِمَاراً: راهنه، و هو التقامر. و القِمَارُ: المُقَامَرَةُ. و تَقَامَرُوا: لعبوا القِمَارَ.

صاحب لسان العرب نیز در صدق مفهوم قمار لعب و راهنه را شرط کرده است.

● **صاحح جوهری:** قَمَرْتُ الرجلَ أَقْمِرُهُ بِالْكَسْرِ قَمْرًا، إِذَا لَاعَبْتَهُ فِيهِ فَعَلْبْتَهُ. و قَامَرْتُهُ فَعَمَرْتُهُ أَقْمِرُهُ بِالضَّمِّ قَمْرًا، إِذَا فَاخَرْتَهُ فِيهِ فَعَلْبْتَهُ.

جوهری نیز در صدق مفهوم قمار لعب و مغالبه را شرط کرده است.

● علامه دهخدا نیز از چند فرهنگ لغت نقل می‌کند که آنان در مفهوم قمار وجود لعب و راهنه و مغالبه را شرط کرده‌اند: «قمار ... مقامره: بگرو چیزی باختن و نبرد کردن با هم بگرو». (منتهی الارب) ... قمار هر بازی که در آن شرط و گروبندی باشد.



نمودار ۱: ارکان مفهوم قمار از نظر لغوی

۴. قمار در اصطلاح فقهی

آنچه باید در این مقاله بررسی شود و می‌تواند در عمل مورد استفاده قرار گیرد استخراج مفهوم قمار و شناسایی مقومات آن در فقه و به عبارت دیگر بررسی مفهوم قمار در اصطلاح فقها است. فقها در مفهوم قمار اختلاف کرده‌اند: برخی قوام آن را به مراهنه می‌دانند و برخی دیگر آن را بدون مراهنه نیز صادق می‌دانند. اما نکته مهم اینجاست که در تعریف همه فقها لعب مقوم اصلی قمار بوده و اکثر فقها مغالبه را نیز از مقومات آن می‌دانند. محقق اردبیلی برای قمار مفهوم وسیعی قائل است و آن را بدون مراهنه نیز صادق می‌داند: «قمار عبارت است از بازی با وسایل ویژه قمار مانند بازی با نرد و شطرنج»^{۲۵} (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۴).

شهید دوم نیز همانند محقق اردبیلی از ظاهر کلامش استفاده می‌گردد که مراهنه را در قمار شرط نمی‌داند. وی می‌نویسد: «قمار عبارت است از بازی با وسایل ویژه برای قمار مانند نرد و شطرنج» (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۲۲).

برخی دیگر از فقها در صدق مفهوم قمار افزون بر بازی با وسایل ویژه قمار وجود مراهنه را شرط کرده‌اند. بسیاری از فقها این باور را که هماهنگی با نظر ارباب لغت است ابراز کرده‌اند. از جمله صاحب جواهر پس از استدلال بر حرمت قمار و مالی که از آن نقل و انتقال می‌شود می‌نویسد: «اصل قمار عبارت است از گرو نهادن بر بازی با آلات قمار. همان‌گونه که ظاهر عبارت قاموس اللغة و نهاییه بلکه صریح این دو و صریح مجمع البحرین این معنا است»^{۲۶} (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۱۰۹).

محقق نراقی از کسانی است که در صدق مفهوم قمار، مراهنه را شرط می‌کند و اما

نسبت به اینکه گرو باید تنها از سوی بازیگران باشد تردید می‌کند. ایشان می‌نویسد: «ظاهراً قمار بر بازی‌ای که برای برنده اجری داشته باشد صادق است، مطلقاً (چه اجر از بازیگران و برای بازیگران باشد یا نه) و یا زمانی که مزد از بازیگران و برای بازیگران باشد»^{۲۷} (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۱۰۴).

از ظاهر عبارت محقق کرکی معروف به محقق ثانی استفاده می‌گردد که در مفهوم قمار مراهنه را شرط می‌داند، هر چند در پایان عبارت اشاره می‌کند که گاهی قمار بر هرگونه بازی اطلاق می‌گردد: «اصل قمار عبارت است از گروگذاری بر بازی با وسایل ویژه قمار و چه بسا قمار بر بازی با آن وسایل هرچند گروگذاری نباشد اطلاق گردد»^{۲۸} (عاملی کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۴).

همان‌طور که واضح است تعریف اصطلاحی قمار فاصله چندانی با معنای لغوی آن ندارد و سه رکن «لعب» و «مغالبه» و «مراهنه» در تعاریف اصطلاحی هم به چشم می‌خورد.

۵. حکمت‌های حرمت قمار از منظر قرآن و روایات

«إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ (مائده: ۹۱)؛ جز این نیست که شیطان می‌خواهد با شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه افکند و از یاد خدا و از نماز بازتان دارد. پس آیا دست بردار هستید؟».

دقت به حکمت حرمت قمار که در این آیه شریفه بیان شده است، یعنی دشمنی و کینه، باز همان مفهوم مغالبه را در ذهن تقویت می‌کند. تلاش برای برد و باخت و غلبه بر طرف مقابل در بسیاری موارد سرانجام بازی را به دشمنی می‌کشاند. در معاملات مجموع صفر از آن‌جا که طرفین قرارداد اصلاً یکدیگر را نمی‌شناسند و به‌هیچ‌وجه به دنبال برد و باخت در یک بازی نیستند لذا احتمال دشمنی و کینه هم منتفی است.

در برخی روایات از جمله در موثقه زرارة از امام صادق (ع) علت نهی از قمار این‌گونه بیان شده است که چون در زمره باطل است و خیری در آن نیست: «از آن حضرت درباره شطرنج، بازیچه جوانان، که به بازیچه امیر موسوم است و بازیچه سه‌گانه سؤال شد. حضرت فرمود: وقتی خداوند حق و باطل را جدا کرده، به نظر تو

این موارد در کدام بخش قرار می‌گیرند؟ عرض کردم: بخش باطل و حضرت فرمود: پس هیچ خیری در آن نیست»^{۲۹} (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۷، ص ۳۱۹).

همچنین در روایت فضیل آمده است که: «از امام باقر (ع) از چیزهایی که مردم با آن‌ها بازی می‌کنند پرسیدم مانند نرد و شطرنج. تا اینکه به سدر^{۳۱} رسیدم. آن حضرت در پاسخ فرمود: هرگاه خدا میان حق و باطل را جدا کند با کدام خواهد بود؟ سؤال‌کننده می‌گوید: با باطل. حضرت فرمود: تو را با باطل چه کاری است؟»^{۳۲} (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۷، ص ۳۲۴).

کلمه «باطل» که هم در عقاید استعمال دارد، و هم اخلاق، و هم اعمال، در اعمال عبارت است از آن عملی که غرض صحیح و عقلایی در آن نباشد («باطل» تعبیر دیگری از همان «لعب» است). معاملات مجموع صفر لاقبل یک منفعت و غرض عقلایی مهم دارد و آن همان پوشش ریسک است^{۳۴} که موجب رونق فضای کسب‌وکار می‌شود. لذا از آن‌جا که دارای منفعت می‌باشد از زمره باطل خارج است.

همچنین همه روایاتی که در باب «جواز سوارکاری و تیراندازی همراه با قرار دادن جایزه» وارد شده است دلالت بر این دارد که حتی همراهی بر اموری که به خودی خود در زمره لعب هستند (مانند سوارکاری و تیراندازی) اگر برای یک غرض اجتماعی مهم، از نظر عقلایی، از دایره باطل و بی‌فایده بودن خارج شوند، دیگر حکمش حرمت نیست؛ بلکه حتی کار به‌جایی می‌رسد که مورد استقبال ملائکه واقع می‌شود. روایت مرسل صدوق از امام صادق (ع) هم بر همین دلالت دارد که فرمودند رسول خدا (ص) فرمود: ملائکه در رهن گذاشتن برای مسابقات سوارکاری با شتر و چارپایان دیگر و تیراندازی با کمان حاضر می‌شوند و آن‌چه غیر این‌هاست قمار و حرام است^{۳۵} (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۸، ص ۳۰۵).

۶. نظرات شیخ انصاری در خصوص قمار

«قمار به اجماع فقها حرام است و کتاب و سنت متواتر نیز بر حرمت آن دلالت دارند. و آن مطابق تعریف اهل لغت عبارت است از: رهن گذاشتن برای بازی با آلات شناخته شده. و از جماعتی حکایت شده است که قمار به‌طور مطلق به بازی با این آلات دلالت

دارد ولو اینکه بدون رهن گذاشتن باشد. صاحب جامع المقاصد نیز به این دلالت تصریح کرده است. و بعضی گفته‌اند که اصل قمار همان مغالبه است»^{۳۶} (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۷۱).

«در این جا چهار حالت وجود دارد. چراکه گاهی بازی با آلات قمار همراه رهن، گاهی با آلات قمار بدون رهن، گاهی بدون آلات قمار همراه رهن و گاهی بدون رهن می‌باشد»^{۳۷} (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۷۱).

در معاملات مجموع صفر بدون شک آلات قمار وجود ندارد اما رهن در آن وجود دارد لذا برای پرهیز از اطاله کلام به نقل مورد سوم اکتفا می‌کنیم و سایر موارد را مطرح نمی‌کنیم.

«حالت سوم، رهن گذاشتن بدون آلات فراهم شده برای قمار مانند رهن گذاشتن برای حمل سنگ سنگین و یا کشتی و یا کفتر بازی و یا مسابقه پرش و مانند این‌ها از مواردی که در باب سبق و رمایه، جزو افرادی که نصی برای جواز آن‌ها وجود ندارد شمرده شده‌اند. ظاهر آن است که این موارد در حرمت و فساد ملحق به قمار می‌شوند بلکه عبارات برخی صراحت دارد که این موارد قمار است ... و سخن امام صادق (ع) هم بر همین دلالت دارد که فرمودند رسول خدا (ص) فرمود: ملائکه در رهن گذاشتن برای مسابقات سوارکاری با شتر و چارپایان دیگر و تیراندازی با کمان حاضر می‌شوند و آنچه غیر این‌هاست قمار و حرام است»^{۳۸} (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۷۵).

«و در روایت جابر از امام باقر (ع) «گفته شده: ای رسول خدا میسر چیست؟ فرمود: هر چیزی که به آن مقامره شود حتی قاب بازی و گردو بازی» و ظاهر این است که مقامره به معنای مغالبه همراه رهن می‌باشد»^{۳۹} (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۷۶).

۷. نظرات امام خمینی (ره) در خصوص قمار

«محل اشکال و کلام در بحث قمار و میسر در صدق این دو عنوان بر ۱- بازی با آلات قمار بدون رهن و ۲- بازی بدون آلات قمار با رهن و ۳- بازی بدون آلات قمار بدون رهن است [چون در صدق این دو عنوان بر بازی با آلات قمار با رهن اختلافی وجود ندارد].»

ظاهر این است که این دو عنوان بر مورد دوم (بازی بدون آلات قمار با رهن) صدق نمی‌کنند چرا که معنای عرفی قمار، «مطلق» مغالبه همراه با رهن نمی‌باشد. لذا به کسی که برای غلبه و بُرد در خوش خطی یا تجوید قرآن یا مسابقه دو یا تیراندازی و مانند آن رهن گذاشته است قمارباز و به فعل او قمار گفته نمی‌شود. و عرف بهترین شاهد بر این امر است. مؤید این مطلب بلکه شاهد بر آن، روایاتی است که در جواز بر سوارکاری و تیراندازی همراه با قرار دادن جایزه وارد شده است با این که نمی‌توان گفت این روایات آیه شریفه «إِنَّمَا الْحَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ» را تخصیص زده است چراکه این آیه از تخصیص اباء دارد»^{۴۰} (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۸) [پس مواردی که در روایت ذکر شده مصداق میسر نیستند و از این جا معلوم می‌شود که در صدق عناوین قمار و میسر، آلت قمار بودن هم نقش دارد].

همچنین امام خمینی (ره) در جای دیگر (چند صفحه بعد) به طور مفصل تر می‌فرماید: «و اما بازی با غیر آلات قمار با رهن، از گروهی حرمت تکلیفی آن نقل شده و از گروهی دیگر ادعای اجماع یا عدم خلاف در این مسئله نقل شده است. لکن از آن جا که ادله فراوانی وجود دارد و احتمالاً قائلین به حرمت نیز به همین ادله تمسک جسته‌اند بلکه حتی ممکن است منظور آنان صرفاً حرمت وضعی بوده باشد ولی ناقلین اجماع با اجتهاد در کلمات آنان حرمت تکلیفی را استظهار کرده باشند، به خاطر همه این دلایل توجه به این اجماعات منقول جایز نیست».

همچنین نمی‌توان به این ادعا که عنوان قمار به لحاظ عرفی بر مطلق بازی همراه با رهن صدق می‌کند توجه کرد چراکه همان طور که گفتیم جزم داریم که بر مغالبه در خط و قرائت و مسابقه دو و مانند این‌ها عنوان قمار صدق نمی‌کند. کلمات اهل لغت نیز در این موضوع متفاوت است. چه بسا از اطلاق عبارت بعضی از لغویین مانند صاحب قاموس و منتهی الأرب و حکایتی که لسان‌العرب کرده ظاهر شود که قمار، مطلق مغالبه با رهن است. ولی عبارت مجمع‌البحرین صراحت و عبارت المنجد ظهور دارد در اینکه آلات شناخته شده قمار در صدق عنوان قمار نقش دارند»^{۴۱} (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۳).

در نهایت امام خمینی (ره) یک استدراک می‌فرماید^{۲۴} و آن اینکه البته شاید بتوان با استناد به آیه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ» نشان بدهیم که عنوان اکل مال بالباطل بر بازی بدون آلات قمار همراه رهن نیز صدق می‌کند و از این راه، حرمت آن را اثبات کنیم.

جمع بندی

در واکاوی مفهوم قمار به این نتیجه خواهیم رسید که در لغت و در اصطلاح فقها و از منظر روایات، قمار دارای سه رکن اساسی است: ۱- لعب ۲- مغالبه ۳- مرآه. از بین این سه رکن تنها «مرآه» در معاملات مجموع صفر موجود است که همان گرو گذاشتن وجه معین از سوی دو طرف تا در پایان از بازنده به برنده برسد. «مغالبه» به معنای این است که هر یک از طرفین قصد و تلاش برای غلبه بر دیگری را داشته باشد که به‌طور عامیانه به آن «برد و باخت» گفته می‌شود. در معاملات مجموع صفر کسی به دنبال برد و باخت و غلبه بر طرف مقابل نیست بلکه همه صرفاً به دنبال کسب سود هستند. معمولاً در این معاملات طرفین با بورس طرف هستند کسی طرف مقابل خود را نمی‌شناسد که بخواهد بر او غلبه کند.

«لعب» به معنای کاری است که «غرض عقلایی»^{۲۵} نداشته باشد درحالی‌که معاملات مجموع صفر لاقلاً یک منفعت و غرض عقلایی مهم دارند و آن همان پوشش ریسک است. شیخ انصاری «المراهنة على اللعب بغير الآلات المعدة للقمار» یعنی مرآه و شرط بندی در بازی با غیر آلات قمار را حرام می‌داند. بی تردید، در معاملات مجموع صفر، مرآه وجود دارد اما نکته این جاست که با هیچ توجیهی نمی‌توان معامله مجموع صفر را ذیل عنوان «لعب» گنجانند چرا که یک فعالیت اقتصادی است و دارای غرض عقلایی می‌باشد. لذا حتی با تقسیمات شیخ نیز معامله مجموع صفر قمار نیست.

اگر به تقسیمات امام خمینی (ره) نگاه کنیم که امر حتی از این هم ساده‌تر می‌شود. چراکه ایشان تمام استدلالات فقها مبنی بر حرمت و بطلان «المراهنة على اللعب بغير الآلات المعدة للقمار» را مردود می‌داند. به عبارت دیگر ایشان می‌فرماید برای اینکه مفهوم قمار شکل بگیرد نه تنها مرآه و لعب هر دو لازم است بلکه باید لعب با آلات

قمار باشد و إلاً قمار نیست.

در نتیجه مطابق تعریف جمیع فقهای امامیه از قمار، به هیچ وجه معامله مجموع صفر قمار نیست.

ثمره این بحث این است که بسیاری از معاملات مشتقات مالی و در رأس آنها معاملات آتی (که در بخش معاملات مجموع صفر چستی آنها تبیین شد) در معرض شبهه قماری بودن قرار نمی‌گیرند و بورس جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از این معاملات در راستای مدیریت ریسک‌های قیمتی استفاده کند. البته در اینجا فقط شبهه قمار در مورد این قراردادها بررسی شد که جزو مهم‌ترین شبهات وارد بر این معاملات است و برخی کارشناسان به دلیل وجود همین شبهه این معاملات را مردود اعلام کرده‌اند.

لازم به یادآوری است که معاملات مجموع صفر در واقع یک نوع معامله مشخص که دارای ارکان مشخصی باشد نیستند. معامله مجموع صفر یک حالت است که در بسیاری از معاملات جدید و نوآوری‌های مالی از جمله مشتقات مالی وجود دارد و طیف گسترده‌ای از انواع معاملات از جمله قراردادهای آتی و اختیار معامله را شامل می‌شود. مزیت این پژوهش در این است که بحث را منحصر به فقط یک نوع از انواع این معاملات نمی‌کند. در اکثر پژوهش‌های مختلفی که روی تک تک این معاملات انجام شده شبهه قمار مطرح شده است و علت آن هم دقیقاً مجموع صفر بودن است. نکته مهم دیگر این است که شبهه قمار تنها یکی از شبهات مطرح شده در مورد نوآوری‌های مالی از جمله مشتقات مالی است. در مورد اکثر این معاملات شبهات دیگری از جمله بیع کالی بالکالی و صوری بودن و غرری بودن نیز مطرح است. لذا با دفع شبهه قمار سایر شبهات همچنان به قوت خود باقی هستند و هریک پژوهش علی‌حده‌ای را طلب می‌کنند.

در نهایت ذکر این نکته لازم است که چنانچه مطالعات کارشناسی که به صورت دوره‌ای در مورد بازار بورس انجام می‌شود به این نتیجه برسد که تقریباً همه این‌گونه معاملات از نوع سفته‌بازی است و حجم معاملات پوشش ریسک معتناهی نمی‌باشد، دیگر غرض عقلایی مطرح شده از بین می‌رود و انعقاد این قراردادها از نظر شرعی مردود می‌شود.

یادداشت‌ها

1. Zero-Sum Transactions
2. Zero-Sum Game
3. Game Theory
4. Microeconomics
5. Financial Derivatives
6. Exchange-traded
7. Over the Counter
8. Agreement
9. Contract
10. Underlying Asset
۱۱. قرارداد سلف ترجمه «Forward Contract» است. برخی نیز آن را «پیمان آتی» در مقابل «قرارداد آتی» ترجمه کرده‌اند. گروهی دیگر برای «Forward Contract» از اصطلاح «قرارداد آتی خاص» و برای «Futures Contract» از اصطلاح «قرارداد آتی یکسان» یا «قرارداد آتی استاندارد شده» استفاده کرده‌اند.
12. Futures Contract
13. Option
14. Swap
15. Daily Settlement
16. Marking to Market
17. Financial Services Act (FSA)
18. Lottery
19. Contracts of Insurance
20. Aleatory Contracts
21. Wagering Contracts
۲۲. Gaming Contracts؛ با این توضیح که در اصطلاحات حقوقی، «Gaming» همان «Gambling» است.
23. Gaming Act 1845, 1892
24. German Gaming Act
۲۵. القمار هو اللعب بالآلات المعدة له كالنرد و الشطرنج.
۲۶. ان اصل القمار الرهن على اللعب بشئ من آلاته كما هو ظاهر القاموس و النهایه او صریحهما و صریح مجمع البحرین.
۲۷. ثم الظاهر ان القمار يكون في كل لعب جعل للغالب اجر مطلقا او اذا كان بما اعد لذلك عند اللاعبين.
۲۸. اصل القمار الرهن على اللعب بشئ من هذه الاشياء و ربما اطلق على اللعب بها مطلقا.
۲۹. أنه سئل عن الشطرنج و عن لعبة شبيب التي يقال لها: لعبة الأمير و عن لعبة الثلاث؟ فقال: أرايتك إذا ميز الله بين الحق و الباطل مع أيهما تكون؟ قلت: مع الباطل، قال: فلا خير فيه.
۳۰. الباب ۱۰۲ من أبواب ما يكتسب به، الحديث ۵.
۳۱. بازی ای که با آن قمار می‌کنند و آن فارسی سدر است (دهخدا، ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۳۷۰).
۳۲. قال: سألت ابا جعفر (ع) عن هذه الاشياء التي يلعب بها الناس النرد و الشطرنج حتى انتهيت الى السدر. فقال: اذا ميز الله الحق من الباطل مع ايهما يكون. قال: مع الباطل؟ قال: فمالك و للباطل؟

۳۳. الباب ۱۰۴ من أبواب ما یکتسب به، الحدیث ۳.
۳۴. به علاوه عمده این معاملات موجب کشف قیمت هم می شوند که منفعت عمده دوم آنها محسوب می شود.
۳۵. قال رسول الله (ص): «إن الملائكة لتحضر الرهان في الخفّ والحافر والريش، وما سوى ذلك قمار حرام».
۳۶. القمار حرام إجماعاً، ويدلّ عليه الكتاب والسنة المتواترة. وهو بكسر القاف كما عن بعض أهل اللغة: «الرهن على اللعب بشيء من الآلات المعروفة» و حکي عن جماعة أنه قد يطلق على اللعب بهذه الأشياء مطلقاً ولو من دون رهن، و به صرح في جامع المقاصد. و عن بعض أن أصل المقامرة المغالبة.
۳۷. هنا مسائل أربع؛ لأنّ اللعب قد يكون بالآلات القمار مع الرهن، وقد يكون بدونه، و المغالبة بغير آلات القمار قد تكون مع العوض، و قد تكون بدونه.
۳۸. الثالثة، المراهنة على اللعب بغير الآلات المعدّة للقمار. كالمراهنة على حمل الحجر الثقيل و على المصارعة و على الطيور و على الطفرة، و نحو ذلك ممّا عدّوها في باب السبق و الرماية من أفراد غير ما نصّ على جوازه. و الظاهر الإلحاق بالقمار في الحرمة و الفساد، بل صريح بعض آتیه قمار... و يدلّ عليه قول الصادق (ع): أنّه قال رسول الله (ص): «إنّ الملائكة لتحضر الرهان في الخفّ و الحافر و الريش، و ما سوى ذلك قمار حرام».
۳۹. و في رواية جابر عن أبي جعفر (ع): «قيل: يا رسول الله ما الميسر؟ قال: كلّ ما يقامر به حتى الكعب و الجوز». و الظاهر أنّ المقامرة بمعنى المغالبة على الرهن.
۴۰. إنّما الإشكال و الكلام في صدق العنوانين على اللعب بالآلات بلا رهان، و على اللعب بغيرها برهان أو غيره. و لا ينبغي الريب في عدم صدقهما على الأخير، و إن يظهر من بعضهم إطلاقهما على مطلق المغالبة، لكنّه خلاف المتبادر و المرتکز في الأذهان من القمار، و خلاف كلمات اللغويين فيه و في الميسر الذي هو أخص منه أو مساوق له، على ما يأتي الإشارة إليه.
- و الظاهر عدم صدقهما على ما قبله أيضاً، لأنّ القمار عرفاً ليس مطلق المغالبة برهان. فلا يقال لمن جعل الرهان بإزاء الغلبة في حسن الخطّ، أو تجويد قراءة القرآن، أو سرعة العدو أو الرمي و نحوها: إنّهُ مقامر، و لا لفعلها: إنّهُ قمار. و العرف أصدق شاهد عليه.
- و يؤيد ما ذكرناه بل يشهد عليه ما ورد من جواز السبق و الرماية مع شرط جعل عليه، مع إباء قوله تعالى: *إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ* عن التخصيص.
۴۱. و أمّا اللعب بغيرها مع رهن، فقد حکي عن جمع حرمة تكليفاً و عن بعض دعوى الإجماع أو عدم الخلاف فيه. لكن الاعتداد بها لا يجوز بعد تراكم الأدلّة و احتمال تشبّثهم بها. بل من المحتمل أن يكون نقله من الاجتهاد في كلمات القوم و استظهار الحرمة تكليفاً منها مع إرادة كلّهم أو بعضهم الوضعية. فلا اعتداد بنقل الإجماع و عدم الخلاف. كما لا اعتداد بدعوى صدق القمار عرفاً على مطلق

اللعب برهن، لما قلنا من الجزم بعدم صدقه على التغالب في الخطّ والقراءة والعدو ونحوها. وكلمات اللغويين مختلفة، فربما يظهر من إطلاق بعضهم كصاحب القاموس ومنتهى الإرب ومحكي لسان العرب أنه مطلق المغالبة برهن، لكن صريح مجمع البحرين وظاهر المنجد أنّ للآلات المعهودة دخالة في الصدق.

٤٢. نعم لا يبعد جواز الاستدلال على المطلوب بقوله تعالى «لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل إلا أن تكون تجارة عن تراضٍ». بأن يقال: إنّه بعد معلومية أنّ قوله لا تأكلوا كناية، يحتمل أن يكون كناية عن مطلق التصرفات، فيكون المراد: لا تتصرفوا في الأموال الحاصلة بالباطل إلا ما حصل بتجارة عن تراضٍ. ويحتمل أن يكون كناية عن تحصيل الأموال بالباطل، فيكون النهي متعلّقاً على سبب تحصيلها، فيكون المعنى: لا يجوز تحصيل المال بالأسباب الباطلة كالقمار والبخس والسرقة ونحوها (موسوى خميني، ١٤١٥ق: ج ٢، ٢٦).

ويرجح هذا الاحتمال بالروايات الواردة في تفسيرها: كصحيفة زياد بن عيسى، قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن قوله عزّ وجلّ. وَ لا تأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ؟ فقال: «كانت قريش يقامر الرجل بأهله وماله، فنهاهم الله عزّ وجلّ عن ذلك».

فإنّ الظاهر منها أنّ الله - تعالى - نهاهم عن القمار بالمعنى المصدري، لا عن التصرف في الأموال. ونحوها رواية العياشي عن أسباط بن سالم، قال: كنت عند أبي عبد الله (ع) فجاء رجل فقال: أخبرني عن قول الله عزّ وجلّ يا أيّها الذين آمنوا لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل قال: «يعني بذلك القمار». و قريب منها رواية محمّد بن عيسى المروية عن نوادر ابنه.

وأظهر منها رواية العياشي الأخرى عن محمّد بن عليّ عن أبي عبد الله (ع) في قول الله - عزّ وجلّ - يا أيّها الذين آمنوا لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل قال: «نهى عن القمار وكانت قريش يقامر الرجل بأهله وماله، فنهاهم الله عن ذلك» (موسوى خميني، ١٤١٥ق: ج ٢، ٢٧).

ويؤيد استثناء التجارة عن تراضٍ. فكأنّه قال: لا يجوز استنقاذ الأموال بشيء من الأسباب الباطلة، لكن لا بدّ وأن يكون بنحو التجارة عن تراضٍ. فإذا كان النهي متعلّقاً بالأسباب التي تحصل بها الأموال كالقمار والبخس والربا والسرقة - كما فسّرت بها أيضاً على ما حكى - ويكون المعنى: لا يجوز تحصيل المال بتلك الأمور، تدلّ الآية بإطلاقها على حرمة كلّ لعب يكون فيه رهن، وكذا لو كان المذكور جزء مدلولها (موسوى خميني، ١٤١٥ق: ج ٢، ٢٨).

43. Reasonability

کتابنامه

قرآن کریم

ابن منظور، محمد بن مكرم (١٤١٤ق). لسان العرب، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، دار صادر.
احمد بن فارس (ابوالحسين) (١٤٠٤ق). معجم مقائيس اللغة، مصحح: عبدالسلام محمد هارون، قم:

- انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- اردبیلی (محقق)، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- انصاری (شیخ)، مرتضی (۱۴۲۹ق). المكاسب المحرمة، قم، مجمع الفكر الاسلامی.
- بای، محمد (۱۳۹۰). بررسی فقهی قراردادهای آتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد، دانشگاه فردوسی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.
- بیات، میثم (۱۳۸۷). بررسی کاستی‌های موجود در ابزارهای پوشش ریسک (آتی‌ها و اختیارات)، راهکارهای مطرح شده بر مبنای فقه اهل سنت و تطبیق آن با نظرات برخی فقهای شیعه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، گرایش مالی.
- پاکذات، سیدمهدی (۱۳۸۹). تفکیک ثابت و متغیر در احکام معاملات؛ مطالعه موردی: قرارداد آتی‌ها و اختیار معامله در بازار سرمایه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). تاج اللغة و صحاح العربية (الصحاح)، لبنان، بیروت: دار العلم للملایین.
- حاجیان، محمد مهدی (۱۳۹۰). وضعیت حقوقی قراردادهای آتی در حوزه نفت و گاز، پایان‌نامه دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- حبیب‌زاده محمدجعفر و سلمان عمرانی و حامد پور غلام (۱۳۸۹). تحلیل جرم قمار در فقه و حقوق ایران، پژوهش‌های فقه و مبانی حقوق اسلامی، تابستان، سال ۶، شماره ۲۰، صص ۴۷ تا ۶۸.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع).
- حسینی چالشتری، محسن (۱۳۷۶). امکان‌سنجی طراحی قراردادهای آتی در نظام مالی اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، گرایش مالی.
- حسینی، محمد (۱۳۸۶). تحلیل فقهی - اقتصادی مشتقات با تأکید بر قرارداد آتی‌ها و قرارداد اختیارات، پایان‌نامه دکتری، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد.
- درخشان، مسعود (۱۳۹۰). مشتقات و مدیریت ریسک در بازارهای نفت، تهران: مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). لغت‌نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن، دار العلم - الدار الشامیة.
- رضایی، مجید (۱۳۸۲). بررسی فقهی ابزارهای مشتقه، قم: فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۱۱، پاییز.
- طریحی، فخرالدین، مصحح: سید احمد حسینی (۱۴۱۶ق). مجمع البحرين، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- عاملی کرکی (محقق ثانی)، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه

آل البيت (ع).

عصمت پاشا، عبیدالله (۱۳۸۲). فلسفه و سیر تکاملی ابزارهای مالی مشتقه و دیدگاه‌های فقهی، ترجمه علی صالح آبادی، قم: فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۹، بهار.

غنیمی فرد، حجت الله و آرام بنیار، محمد (۱۳۸۴). امکان‌سنجی فقهی تأسیس بورس آتی نفت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: دو فصلنامه دین و ارتباطات، شماره ۲۵ (ویژه بازارهای مالی اسلامی)، بهار، صص ۱۷۱ - ۲۰۰.

فخیمی، علی (۱۳۹۲). بررسی قمار و اشکال جدید آن از منظر فقه امامیه و حقوق کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.

فیومی، احمد بن محمد مقری (بی تا). المصباح المنیر، قم: منشورات دار الرضی.

محسنی، فاطمه (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی چالش‌های فقهی موجود در بازار آتی و اختیارات بر اساس آراء اندیشمندان اهل تشیع و تسنن، پایان‌نامه، مشهد، دانشگاه فردوسی، دانشکده علوم انسانی.

معصومی‌نیا، غلام‌علی (۱۳۸۷). ابزارهای مشتقه، بررسی فقهی و اقتصادی، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

معصومی‌نیا، غلام‌علی و بهاروندی، احمد (۱۳۸۷). بررسی فقهی قراردادهای پوشش ریسک دارایی‌های ارزی، قم: فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۳۱، پاییز.

موسوی خمینی (امام)، سید روح الله (۱۴۱۵ق). المکاسب المحرمه، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

میر معزی، سید حسین (۱۳۸۲). بورس بازی از نگاه فقه، قم: فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال سوم، شماره ۹، بهار.

نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العرب.

نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق). مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت (ع).

نعمتی، محمد (۱۳۸۴). قرارداد آتی‌ها در اقتصاد اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد.

هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار، دستورالعمل اجرایی معاملات قراردادهای آتی در شرکت بورس کالای ایران، مصوب مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۱۹، اصلاحی مورخ ۱۳۸۸/۰۹/۱۰ و ۱۳۹۱/۰۷/۰۸.

Durbin, Michael, (2011). *All about Derivatives*, the McGraw-Hill Companies.

Fahim Khan, (2000). *Islamic futures and their markets, with special reference to their role in developing rural financial market*, Jeddah, Saudi Arabia, Islamic Development Bank, Islamic Research Training Institute, Research Paper. No. 32, 2000.

Hull, John C., (2012) *Options Futures and Other Derivatives*, 8th Edition, us., Pearson, publication.

Ismath Basha, (2011). *Obiythullah, Derivative Instruments and Islamic Finance: Some Thoughts for a Reconsideration*, International Journal of Islamic Financial Services, Vol. 1, No. 1.